

آینه

لحن

بگو اشتباه کردم تا با تو گفت و گو کنم

● علیرضا کیان پور:
سعید حجاریان اسفندماه سال گذشته، زمانی که پیرو ناآرامی‌های زمستان موضوع «گفت‌وگویی ملی» بیش از هر وقت دیگری مورد توجه قرار گرفته بود، در یادداشتی طرح این موضوع را در آن شرایط، بلاموضوع و ناممکن دانست... دو روز پیش که طبق معمول برای تهیه گزارش و گفت‌وگو در راهروی درندشت و کم‌تور ساختمان پارلمان چرخ می‌زدم، جواد کریمی‌قدوسی عضو جبهه پایداری را با آن کت و شلوار قهوه‌ای‌رنگ همیشگی دیدم... گفت: «مگر نمی‌دانید من با شما زنجیره‌ای‌ها مصاحبه نمی‌کنم؟!...» حق با حجاریان است... اگر هنوز راه چاره‌ای برای عبور از سیل حوادث سخت و سهمگین این روزهایش موجود باشد، یکپارچگی و اتحاد کامل است و گفت‌وگو و همفکری میان تمامی طیف‌ها و گروه‌ها و افراد این جامعه متکثر... اما وقتی طرف گفت‌وگو، شرط همکلام‌شدن را پیشاپیش نفی کامل تو می‌داند، آیا واقعا می‌توان گفت‌وگو کرد؟ آیا چنین گفت‌وگویی، حتی اگر آغاز شود، دوام خواهد یافت؟ حجاریان در آن یادداشت، پیش‌بینانه گفته بود رفع اختلافی که در گفتارش پیش آمده، پیشکش، بعید است اصولگرایان حاضر شوند برابری حقوقی میان او و خودشان را به رسمیت بشناسند و تضمین دهند که در پی عواقب گفتارش نباشند. این‌طور که پیداست ما با اوضاعی وخیم‌تر از اینها روبه‌رویم، دوستان می‌خواهند ابتدا یکوییو اشتباه کرده‌ام تا مگر حاضر شوند با ما پای میز گفت‌وگو بنشینند. مشکلی نیست اما این میز، میز گفت‌وگو نیست. چیز دیگری است

ایران

شوق آزادی

۱چهارشنبه‌شب۷هفت هزار نفر دیدار تیم ملی مقابل اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه را در ورزشگاه آزادی مشاهده کردند.
ایـن اوایل حضور خانواده‌های ایرانی در ورزشگاه آزادی برای تماشا دیدار تیم کشورشان بود، حتی کیفیت پایین نمایشگر بزرگ حاضر در ورزشگاه آزادی مردم را مجاب به ازدست‌دادن این فرصت نکرد و آنها نشسته و ایستاده در داخل ورزشگاه بازی ایران مقابل اسپانیا را تماشا کردند.
تماشاگران حاضر در ورزشگاه با اینکه درون ورزشگاه کاران آره‌نا روسیه حضور نداشته‌اند؛ اما جاتانه تیم ملی را تشویق کردند.
حضور پرتعداد خانواده‌ها منجر شد تا مسئولان ورزشگاه آزادی درهای یک جایگاه دیگر را هم برای نشستن آنها باز کنند.
همچنین تماشاگران با هر تویی که روی دروازه اسپانیا می‌رفت تیم ملی را تشویق می‌کردند. پس از اشتباه گسترده مردم، خانواده‌های ایران بداند نشسته بدون بلیت و رایگان مجوز حضور در ورزشگاه را گرفتند.



شورش ناظم‌علیه‌نظم‌لیبرال

سجاد مرادی‌کلارده:
خروج از شوروی حقوق بشر، بیش از پیش گسترش بی‌ثباتی در سیاست خارجی آمریکا را به ثبات می‌رساند. بی‌ثباتی‌ای که بیش از همه در ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور کنونی آمریکا همچون بی‌بروبایی، عدم هراس، عجول و غیرقابل پیش‌بینی‌بودن نمایان شده است. این مسئله باعث شده که تکالیف آمریکا در عمل به توافق‌نامه‌ها و سازمان‌هایی که در آنها عضو است، در چشم ترامپ بی‌ارزش شود که خود بی‌اعتباری شخصیت حقوقی آمریکا را به همراه دارد. این موضوعی است که بسیاری از ناظران نیز به آن اشاره می‌کنند.
در مطلبی از سوی جمعی از نویسندگان اندیشکده چتم‌هاوس آمریکا با عنوان ارزیابی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی ترامپ بر سیاست خارجی آمریکا، اشاره شده است که رئیس‌جمهور آمریکا در رفتار خود اصولاً نشان داده است که علاقه‌ای به تحکیم و حمایت از نظم بین‌المللی لیبرال کنونی ندارد.
خروج آمریکا از سازمان‌های بین‌المللی نظیر شورای حقوق بشر و... را نیز می‌توان نمونه‌ای از این تأثیرات عنوان کرد.
در نهایت خروج آمریکا از شوروی حقوق بشر از زاویه ساختاری و سطح نظام بین‌الملل نیز قابل طرح و بررسی است.
جان ایکنبری در کتاب جدید خود «لویاتان لیبرال: سرچشمه‌ها، بحران‌ها و تحولات نظم جهانی آمریکایی»، میزان لیبرال یا امپراتوری‌بودن نظم بین‌المللی را به میزان احترام‌آرام آمریکا به عنوان قدرت هژمون به مقررات بین‌المللی وابسته می‌داند؛ به گونه‌ای که هرچه میزان پابندی هژمون به این مقررات بیشتر باشد، به میزان لیبرال‌بودن آن افزوده و از ماهیت امپراتوری آن کاسته می‌شود و برعکس.
به این لحاظ، اقدامات ترامپ و رویه‌ای که وی در خروج از توافق‌نامه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و تربیت بین‌المللی در پیش گرفته است، در واقع می‌تواند نشانه‌ای از دگرگونی نظم لیبرال باشد که پس از جنگ جهانی دوم تاکنون بر جهان حاکم بوده و اتفاقاً توسط خود آمریکا نیز ایجاد شده است.

اصلاحیه

پیرو آکهی منتشره در مورخ ۳۰/۳/۹۷ در خصوص اجرای عملیات مرزمت و بهسازی معابر(جدول‌گذاری) سطح

منطقه ۱۱ به اطلاع می‌رساند مبلغ سپرده از ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصلاح و اعلام می‌گردد.

اداره امور قرارداده‌ها و پیمانها شهرداری کرج

محموداد ظریف در مقاله‌ای به شروط دوازده‌گانه وزیر امور خارجه آمریکا پاسخ داد و در آن اهم مطالبات دولت و ملت ایران از واشنگتن را برشمرد.

متن این مقاله که به چندین زبان منتشر شده، به شرح زیر است:

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در مورد برنامه هسته‌ای ایران پس از توافق‌نامه مشارکت تجاری در حوزه اقیانوس آرام و معاهده آب‌هوایی پاریس، سومین توافق بین‌المللی است که دولت آمریکا از آن خارج شده است. این دولت با اقدامات خود همچنین بسیاری از توافقات دیگر مانند نفتا، نظام تجارت آزاد و بخش‌هایی از سیستم ملل متحد را به مخاطره انداخته و لطمه بزرگی به چندجانبه‌گرایی و دورنمای حل اختلافات از طرق دیپلماتیک زده است.

خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن یک جانبه و غیرقانونی تحریم‌های هسته‌ای را ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ حتی برخلاف نظر مردم آمریکا، در واقع نقطه اوج بدعهدی‌ها و نقض مکرر این توافق توسط دولت آمریکا بود؛ درحالی‌که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان تنها نهاد تخصصی ذی‌صلاح بین‌المللی به‌طور مکرر پابندی جمهوری اسلامی ایران به تعهداتش طبق برجام را تأیید کرده است. تصمیم آمریکا با اعتراض جامعه بین‌المللی و حتی شرکای نزدیک این کشور همانند اتحادیه اروپا، انگلیس، فرانسه و آلمان مواجه شد.

وزیر خارجه جدید آمریکا نیز در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷ در سخنانی بی‌اساس، توهین‌آمیز و مداخله‌گرانه، خواسته‌ها و تهدیداتی را در ارتباط با ایران مطرح کرد که در تعارض آشکار با هنجارهای شناخته‌شده بین‌المللی و در مغایرت کامل با حقوق بین‌الملل و رفتار متمدنانه است. این سخنرانی قبل از هر چیز واکنشی انفعالی از جانب دولت آمریکا در برابر مخالفت یکپارچه جامعه بین‌المللی با تلاش واشنگتن برای نابودی برجام و انزواي ناشی از آن بود. آقای پمپئو در این سخنرانی در واقع کوشید تا اقدام آمریکا به خروج از توافق چندجانبه برجام را توجیه و اذنام عمومی بین‌المللی را از این اقدام غیرقانونی و نقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد که متن آن توسط دولت آمریکا پیشنهاد و به اتفاق آرا تصویب شده بود، منحرف کند. به‌ویژه پیش‌شرط‌های دوازده‌گانه مطرح‌شده در این سخنرانی از آن جهت مضحک بود که آمریکا خود به خاطر تکروی و تلساز و جهت تضعیف چندجانبه‌گرایی در انزوا قرار گرفته است. بی‌دلیل نبود که این سخنرانی و سخنرانی رئیس‌جمهوری آمریکا با برخورد منفی و بی‌اعتنایی جامعه بین‌المللی حتی دوستان آمریکا مواجه شد و تنها معدودی از اقمار آمریکا در منطقه ما از آن حمایت کردند.

تردید دارم که اگر وزیر خارجه آمریکا اندک اطلاعاتی در مورد تاریخ و فرهنگ ایران و مبارزات تاریخی مردم ایران برای استقلال و آزادی داشت و می‌دانست که برخلاف برخی از متحدان منطقه‌ای آمریکا، نظام سیاسی ایران نظامی مبتنی بر یک انقلاب مردمی و خواست و اراده مردم است، چنین سخنانی را بر زبان می‌راند. او باید دربارده که یکی از آرمان‌های بزرگ مردم ایران نابود کردن به مداخلات بیگانگان در ایران بوده است که طی ۲۵ سال پس از کودتای ۱۳۳۲ به اوج خود رسیده بود. او باید بداند که مردم ایران در طول چهار دهه گذشته در مقابل تجاوزها و فشارهای گوناگون آمریکا، از جمله تلاش برای کودتا و مداخله نظامی، حمایت از متجاوز در جنگ تحمیلی و اعمال تحریم‌های یک جانبه و تمعیم فراملی آنها و حتی سرنگونی یک هواپیمای مسافری ایرانی و... سرافرازانه ایستاده‌اند. مردم ایران هیچ‌گاه این واقعیات را فراموش نمی‌کنند.

بزرگ‌ترین پشتوانه نظام سیاسی ایران مردم آزاده و صلح‌طلب این است؛ مردمی که ضمن پذیرش تعامل سازنده با دنیا براساس احترام متقابل، آماده مقاومت در برابر-روzkویی و زیاده‌خواهی و دفاع یک‌صدا و یکپارچه از استقلال و سربلندی خود هستند. تاریخ‌گواه است که مهاجمان به این سرزمین کهن و متمدن همگی مانند صدام و حامیانش به سرنقشت لذباری دچار شدند و ایران همچنان سربلند و سرافراز و امیدوار به آینده روشن خود به راهش ادامه داده است.

متأسفانه، در یک‌سال‌ونیم گذشته سیاست خارجی آمریکا -البته اگر سیاستی وجود داشته باشد- ازجمله سیاست این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر انکارهای بی‌پایه و اوهام بوده است. ضمن رد اتهامات بی‌پایه و مستمر رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه آمریکا که مداخله آشکار در امور داخلی ایران و تخریب غیرقانونی یک عضو ملل متحد در مقابل آشکارا با تعهدات بین‌المللی آمریکا مطابق منشور ملل متحد، عهدنامه ۱۳۳۴ و بیانیه الجزایر ۱۳۵۹ است، توجه سردمداران دولت ایالات متحده آمریکا را به برخی جنبه‌های سیاست خارجی آن دولت که برای تمامی جامعه جهانی خسارت‌بار است، جلب می‌کنم:

۱. رفتار و تصمیمات ددغتی و بی‌منطق رئیس‌جمهوری آمریکا و تلاش اطرافیان او برای یافتن توجیهات و بهانه‌هایی برای قانع‌کردن مخاطبان داخلی و خارجی متأسفانه به وجه بازار روند تصمیم‌گیری در واشنگتن یک ۱۷ ماه گذشته تبدیل شده است. این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها و توضیحات نسنجیده و عجولانه برای توجیه آنها معمولاً موجب تناقض‌گویی و اقدامات متضاد می‌شود. به‌عنوان مثال، آقای پمپئو یک‌بار در جلسه استماع کنگره -درحالی‌که هنوز رئیس‌نظم بین‌اسیا بود- در پاسخ به پرسش نمایندگان مؤکداً گفت

دیپلماسی

پاسخ ظریف به شروط دوازده‌گانه پمپئو



محمد زلفاغر زاده، مسئول قسطنطنیه، ایران

- مردم ایران هیچ‌گاه این واقعیات را فراموش نمی‌کنند.**
- ادامه چنین سیاست‌هایی می‌تواند دولت آمریکا را در وضعیت یک «باغی بین‌المللی» قرار دهد.**

که «ایران برجام را نقض نکرده است» اما پس از تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا به خروج از برجام، در سخنرانی ۳۱ اردیبهشت، برخلاف گفته پیشین خود و نظرات تخصصی آژانسس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار کرد که «ایران برجام را نقض کرده است».

۲. اغراق نیست اگر گفته شود ابعادی از سیاست خارجی آمریکا در این مدت به حراج گذاشته شده است؛ یعنی چیزی بسیار فراتر از لابی‌گری معمول. به‌عنوان مثال، تاکنون هرگز سابقه نداشته که یک رئیس‌جمهوری آمریکا کشوری را که در طول مبارزات انتخاباتی بارها «فنایتک و حامی تروریست» خوانده بود، به‌عنوان مقصد اولین سفر خارجی خود برگزیند یا علناً ابعادی از سیاست خارجی آمریکا را مشروط و موقوف به خرید سلاح و دیگر اقلام توسط این با آن کشور کند. حتی برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که در مواردی منافع صرفاً مادی و غالباً نامشروع منبای عمل سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته است.

۳. بی‌اعتنایی به قوانین و مقررات بین‌المللی و تلاش برای تخریب هرگونه قانونمندی در نظام بین‌المللی یکی دیگر از وجوه بارز سیاست خارجی دولت کنونی امریکاست، تاآنجاکه حتی مطابق گزارش‌های خبری، نمایندگان آمریکا در جریان مذاکره بر سر بیانیه نه‌شست، گروه ۷ در کانادا، با ذکر عبارتی مبنی بر لزوم اعطای «نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون» مخالفت کرده بودند. دولت ترامپ این رویه مخرب خود را با نفی اصل بنیادی «وفا به عهد» آغاز کرد. خروج آمریکا از شماری از توافقات بین‌المللی و به‌مخاطره‌انداختن شماری دیگر از آنها و اقداماتی که علیه سازمان‌های بین‌المللی در دست انجام دارد، نمونه‌هایی از اقدامات مخربی است که تاکنون توسط آن دولت انجام شده و متأسفانه دورنمای نظم بین‌المللی را تیره کرده است. بدیهی است ادامه چنین سیاست‌هایی می‌تواند ثبات جامعه بین‌المللی را به خطر بیندازد و دولت آمریکا را در وضعیت یک «باغی بین‌المللی» قرار دهد.

۴. خیال‌پردازی و تکیه بر موهومات، وجه دیگر سیاست خارجی دولت آمریکاست. این‌گونه برخورد آمریکا در سیاست خارجی به‌ویژه در ارتباط با منطقه غرب آسیا نمود داشته است. اقدامات غیرقانونی و خطرناک آمریکا درمورد قدس شریف، حمایت چشم‌پسته از اقدامات بسعانه رژیم صهیونیستی در غزه و حمله هوایی و موشکی به مناطقی در سربوه از وجوه بارز چنین سیاست غیاصولی است.

اظهارات ۳۱ اردیبهشت آقای پمپئو اوج توهم مقامات دولت کنونی آمریکا درمورد منطقه ما است. وزیر امور خارجه ایالات متحده در حالی برای مذاکره و تفاهم با جمهوری اسلامی ایران شرط تعیین می‌کند که جامعه بین‌المللی نسبت به اصل انکار مذاکره و تفاهم با دولت کنونی ایالات متحده برای هر موضوعی تردید جدی دارد. دولتی که برجام را که نتیجه صدها ساعت مذاکره دوجانبه و چندجانبه با حضور عالی‌ترین مقامات ایالات متحده است و به‌وسیله شورای امنیت ملل متحد که اقدام عضو دائم آن است در قطع‌نامه‌ای به پیشنهاد خود آن دولت و تصویب تمامی اعضای شورای امنیت به یک تعهد بین‌المللی طبق اصل ۲۵ منشور ملل متحد تبدیل شده است زیر پا گذاشته، چگونه می‌تواند توقع داشته باشد که دوباره با آن دولت مذاکره شود؟ اقدامات و اظهارات اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا حتی بهانه مضحک مجازبوند خروج از برجام به‌دلیل مذاکره و تفاهم توسط دولت قبلی آمریکا را هم باطل کرده و نشان داده که به فاصله چند ساعت توافق شخص رئیس‌جمهوری را هم زیرپا می‌گذارد. اقدام رئیس‌جمهوری آمریکا برای خروج از بیانیه اجلاس گروه هفت یک نمونه روشن از ایس‌روش رفتاری قانون‌گریز است. اظهارات رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه مطبوعاتی بلافاصله پس از دیدار با رهبر کره شمالی نمونه دیگری از رفتار یک دولت خطرناک و غیرعقلانی است. آیا وزیر امور خارجه آمریکا توقع دارد که جمهوری اسلامی ایران با دولتی مذاکره کند که رئیس آن دولت اعلام می‌کند «درصورتی‌که شش ماه دیگر متوجه شوم که اشتباه کرده‌ام، بهانه‌ای پیدا می‌کنم». آیا چنین دولتی می‌تواند برای ایران شرط قرار دهد و جای شگای و متشاکری را عوض کند؟ ایشان فراموش کرده که این دولت

• کمک به سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد) برای اقدامات تروریستی که منجر به شهادت دانشمندان هسته‌ای ایران شد

• خراب‌کاری در برنامه هسته‌ای ایران از طریق جنگ‌های سایبری

• تلاش برای جعل اسناد و اغوای جامعه بین‌المللی و ترویج بحران ساختگی

۵. دولت آمریکا باید سیاست‌های تجاوزکارانه تجاوز مستمر اقتصادی خود در چهار دهه گذشته علیه مردم ایران را متوقف، تحریم‌های ظالمانه و گسترده مستقیم و فرامرزنی علیه ایران را باطل کرده و صدها لایحه و سیستم اجرایی جهت مانع‌تراشی در مسیر طبیعی توسعه در ایران را که نقض صریح و آشکار حقوق بین‌الملل و معاهدات لازم‌الاجراست و از سوی همگان محکوم شده است، فوراً متوقف و خسارات عظیم وارده بر ملت و اقتصاد ایران را جبران کند.

۶. دولت آمریکا باید فوراً بدعهدی‌ها و نقض صریح برجام را که صدها میلیارد دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم ناشی از جلوگیری از تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در ایران وارد کرده است، متوقف، خسارات مردم ایران را جبران کند و به صورت قابل راستی‌آزمایی متعهد شود که بدون هیچ قید و شرط کلیه تعهدات خود در برجام را اجرا کرده و براساس مفاد برجام از هر اقدامی که مانع عادی‌شدن روابط اقتصادی با ایران شود، خودداری خواهد کرد.

۷. دولت آمریکا باید همه شهروندان ایرانی و غیرایرانی را که به دلیل اتهامات جعلی و ساختگی نقض تحریم‌های ایران در آمریکا در زندان به سر می‌برند یا با فشارهای غیرقانونی دولت آمریکا توسط سایر دولت‌ها برای استرداد به آمریکا دستگیر شده و تحت سخت‌ترین شرایط در بازداشت غیرقانونی به سر می‌برند -شامل- بانوی باردار، افراد سال‌خورده و بیمار که حتی برخی از آنها در زندان جاشان را از دست داده‌اند- فوراً آزاد کرده، خسارت‌های وارده به آنها و خانواده‌هایشان را جبران کند. ۸. دولت آمریکا باید عواقب لشکرکشی تجاوزکارانه و مداخله جویانه به منطقه از جمله عراق، افغانستان و نیز خلیج فارس را پذیرفته، نیروهای خود را از منطقه خارج کرده و به مداخله در امور منطقه خاتمه دهد.

۹. دولت آمریکا باید به سیاست‌ها و اقداماتی که به ایجاد گروه تروریستی و ضدانسانی داعش و سایر گروه‌های افراطی منجر شد، پایان داده و متحدان منطقه‌ای خود را وادار کند که حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی از گروه‌های افراطی در منطقه و جهان را به صورت قابل راستی‌آزمایی متوقف کنند.

۱۰. دولت آمریکا باید از تأمین سلاح برای طرف متجاوز در یمن و مشارکت در حملات مکرر به مردم مظلوم یمن و قتل و کشتار هزاران نفر و تخریب کشور دست بردارد و متحدان خود را وادار به پایان تجاوز علیه مردم یمن و جبران خسارات وارده کند.

۱۱. دولت آمریکا باید با احترام به حقوق و قوانین بین‌المللی، حمایت بی‌حد و مرز خود از رژیم صهیونیستی را متوقف، سیاست آپارتاید نقض مداوم و بزرگ‌ترین خطر واقعی برای صلح و امنیت منطقه‌ای فلسطین به‌ویژه حق تعیین سرنوشت و ایجاد دولت مستقل فلسطینی به پایبختی قدس شریف عملاً حمایت کند.

۱۲. دولت آمریکا باید فروش سالانه صدها میلیارد دلار سلاح‌های مکرّب-ار -نو-نیا -به مناطق بحرانی جهان و به‌ویژه منطقه غرب آسیا را متوقف ساخته و به جای اینکه مناطق بحرانی را به ابتر بازوت تبدیل کند، اجازه دهد این مبالغ هنگفت برای توسعه کشورها و فقرزدایی جهانی به کار رود. تنها کسری از هزینه‌های خرید سلاح مشتریان آمریکا می‌تواند به رفع گرسنگی و فقر مطلق، تأمین آب آشامیدنی سالم، مبارزه با بیماری و... در تمام جهان بینجامد.

۱۳. دولت آمریکا باید از مخالفت با خواست پنج دهه جامعه بین‌المللی برای ایجاد منطقه عاری از سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه دست برداشته، رژیم اشغالگر و متجاوز صهیونیستی را وادار به خلع سلاح اتمی کرده و بزرگ‌ترین خطر واقعی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی یعنی قراردادن مخرب‌ترین سلاح‌ها در اختیار متجاوزترین و جنگ‌افروزترین رژیم در تاریخ معاصر را خاتمه دهد.

۱۴. دولت آمریکا باید تکلیف بیشتر بر سلاح‌های هسته‌ای و دکترین تهدید به استفاده از این سلاح‌های غیرانسانی در برابر خطرات غیرهسته‌ای را که نقض صریح تعهدات آن کشور طبق ماده ۶ معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، رأی شورای امنیت دیوان بین‌المللی دادگستری، بیانیه اجلاس سنجری و تعدید معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۳۷۴ و قطع‌نامه شماره ۹۸۴ شورای امنیت است، متوقف و به وظیفه اخلاقی، قانونی و امنیتی خود برای خلع سلاح کامل هسته‌ای که خواسته اکثریت قریب به اتفاق اعضای ملل متحد و حتی وزرای خارجه سابق خود آمریکا و یقیناً تمامی آحاد مردمان کره زمین است عمل کرده و به‌عنوان تنها کشوری که نگ استفاده از سلاح هسته‌ای را در تاریخ به نام خود ثبت کرده است، بشیرت را از کابوس شوم هولوکاست جهانی هسته‌ای و امنیت موهومی که براساس نابودی قطعی متقابل بنا شده رها کند.

۱۵. دولت آمریکا باید به تمامی طرف‌های قراردادی خود و به جامعه بین‌المللی تعهد دهد که اصل وفای‌به‌عهد را که مهم‌ترین قاعده حقوق بین‌الملل و بنیان روابط متمدنانه بشری است، رعایت کرده و دکترین خطرناک استفاده ایزاری از حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی تنها به‌عنوان «یکی از ابزارها در جعبه ابزار ایالات متحده» را به صورت رسمی و مهم‌تر از آن در عمل خاتمه دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

«اون» ترامپ را به رقص آورد

اگر صد سال به گذشته برگردیم و به ساختار سیاسی و اقتصادی جهان آن زمان بنگریم، می‌بینیم که غرب تقریباً بر همه جهان چیره بود. خاورمیانه، خاور نزدیک، آفریقا و جنوب و شرق آسیا به دست قدرت‌های استعماری غرب به خاک سیاه کشیده شده بودند. چین که امروز بر جمعیت‌ترین کشور دنیا و دومین اقتصاد بزرگ جهان است، در دست استعمار بریتانیا به سرزمینی مفلوک با مردمی معتاد تبدیل شده بود. هند و خاور دور روزگار بهتری از چین نداشتند. امپراتوری روسیه تزاری و سپس اتحاد جماهیر شوروی همه سرزمین‌های قفقاز و شرق دریای خزر و خراسان را مستعمره خود کرده بودند. بریتانیا با درهم‌پاشیدن امپراتوری عثمانی، همه خاور میانه و خاور نزدیک را به زیر یوغ استعمار خود درآورده بود. فرانسه در آفریقا تاخت‌وتاز می‌کرد. ایران هم از این بلایا در امان نبود. جنگ جهانی دوم که در واقع جنگ رقابتی میان استعمارگران غربی بود، اگرچه منجر به جابه‌جایی مراکز قدرت غرب، ظهور آیدر قدرت شوروی و باعث بازشدن راه قدرت آمریکا شد؛ اما موجبات استقلال کشورهایی مانند چین و هند را فراهم کرد، فروپاشی نظام شوروی منجر به استقلال کشورهای حوزه قفقاز و شمال شرقی ایران شد. نیاز به شمارش رویدادهای ۴۰۰۳ساله اخیر نیست. آنچه برای ایران و ایرانیان مهم است، تحولاتی است که در تدریج در سیاست‌ها و رقابت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی در حال شکل‌گیری است و به ایران بسیار مربوط است. اماونل تاد، نویسنده سرشناس فرانسوی، در کتاب «آمریکا پس از جهان‌گشایی - درهم‌پاشی نظم آمریکایی» (ترجمه این نویسنده) - که پرفروش‌ترین کتاب سیاسی سال ۲۰۰۳ در اروپا بود، بیشترین رویدادها را پیش‌بینی می‌کند. ازجمله اینکه ایران با همکاری روسیه و چین به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای بدل خواهد شد. اینکه این پیش‌بینی درست از کار درآید یا نه، موضوع بحث در اینجا نیست. مهم‌تر از آن به‌وجودآمدن امکانات همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران است. کشورهای دالان قفقاز و شرق دریای خزر و خراسان بزرگ که روزگاری با ایران یک مجموعه بزرگ فرهنگی-منطقه‌ای را تشکیل می‌دادند، امروز با فروپاشی شوروی (که در محاسبات ستو نبود)، از قید اسارت روس‌ها آزاد شده‌اند، اگرچه زبان روسی تحمیلی در این کشورها هنوز رایج است، ایرانی می‌تواند در ایجاد همکاری و نظامی‌نوبن با این کشورها پیشگام شود. ترکیب سیستماتیک منابع این کشورها و همبستگی میان آنها می‌تواند به تولد دوباره فرهنگ ایرانی بینجامد و این منطقه را به یکی از پیشروترین مناطق جهان، هم به لحاظ اقتصادی و هم فرهنگی تبدیل کند. این کشورها بسیاری از بدهی‌های مورد علاقه ایران - ازجمله شعر یا دستاوردهای فرهنگی ما را از آن خود می‌دانند. این همبستگی دشوار نیست. راه همکاری‌داشتن، سعه صدر و پذیرش ارزش‌های گوناگون اعضای این گروه بالقوه است. نیازی نیست که این همکاری به صورت تشکیل یک دولت منطقه‌ای با فدرال صورت گیرد. اتحادیه اوایل مد بسیار آموزنده‌ای در این زمینه است. امروز قدرت‌های غربی که توان خود را در کنترل این منطقه از دست داده‌اند، با دامن‌زدن به اختلافات فرهنگی و مذهبی و واردآوردن فشارهای اقتصادی مانع این‌گونه همکاری‌ها هستند؛ اما ترامپ با حرکات نمایش‌های خود نشان داده است که حتی یک کشور فقیر و محلی مانند کره‌شمالی می‌تواند او را به رقص درآورد.

خروج آمریکای ترامپ از نشانه‌های بشریت

او قبیل از آن هم ازتوافقی پاریس برای حمایت از محیط زست و قرارداد برجام و بسیاری از توافقی‌های دوطرفه و بین‌المللی را نادیده گرفته، نفس‌کش می‌طلبد و رهبر کره‌شمالی را با آن ریاست موروثی و زندگی دربار مردم کره‌شمالی در اقدام غیرمعمول و پربهاوه، نوحه و همراه خود به جهانیان معرفی می‌کند. اما در اصل این ماجرا یک نکته جای تامل، تعجب و درنگی قابل توجه دارد و آن این است که بسیاری از مهاجران سیاه‌پوست از رنگین‌پوست‌های مرکزی‌قبیل از آنکه خانواده ترامپ به آمریکا مهاجرت کنند، به آمریکا آمده و در آنجا زندگی کرده‌اند و با این حساب ترامپ و بسیاری از نزدیکانش مهاجرانی تازه‌واردتر از بعضی دیگران هستند و شخص ترامپ که پیدا و پنهان ژن‌آدرست و ضداسلام و حتی ضدیهود است، به همه خوش‌وبش‌هایی که با نتانیاهو و داماد ظاهراً یهودی‌اش می‌کند، لازم است پیش از دیگر مهاجران مورد نقیشت و تردید قرار گیرد و اگر دنیای بی‌حساب سیاست و گردش روزگار او را به رئیس قدرتمندترین کشور جهان تبدیل کرده، از این شأنس باذآورده چنان استفاده می‌کند که تا ثبت داد در حقیقت آدم بی‌هویتی بیش نیست و اگر زندگی کودکان مرکزی‌توجه او را جلب نمی‌کند و خانواده او در همان مناسبات بی‌ثبات منعب و همیشگی کودکان با مادرشان در جهان بی‌رحمانه نظام سرمایه‌داری لجام‌گسیخته می‌داند، برخورد نژادپرستانه و بی‌رحمانه او معرف فرهنگی است که با آن بزرگ شده و در شرایط پیش‌آمده به آن عمل می‌کند. اما باور ندارم زندگی انسان با این سباقی و سلیقه ترامپ، نتانیاهو و...باقی بماند و دوام بیاورد؛ انسان در نظام آفرینش و طبیعت جایگاهی ویژه دارد که هرچند چار آفات و خیر و ناگامی می‌شود و گاه در بی‌عدالتی روزگار می‌گذرانند، هرگز تن به امثال هیتلر، موسولینی و حالا ترامپ نخواهد داد؛ چنان‌که گذشته آن را تأیید می‌کند.